

A Sociological Explanation of the Effect of Life Satisfaction on Social Indifference Among Citizens of Ahvaz¹

Masoumeh Ahmadi Falhi

MA in Sociology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Seyed Samad Beheshti²

Assistant Professor, Department of Sociology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Received: 09 February 2025

Revised: 19 April 2025

Accepted: 10 May 2025

Abstract

The present study offers a sociological explanation of the effect of life satisfaction on social indifference among the citizens of Ahvaz. Life satisfaction is a diverse and multidimensional social construct that encompasses psychological, economic, and cultural dimensions. The central question raised in this research is “How can life satisfaction influence social indifference, which has emerged as one of the most prevalent and concerning social problems in Iran over the past few decades?” In this quantitative research, a survey method has been employed. A structured questionnaire was used for data collection. The statistical population consisted of Ahvaz residents above fifteen years of age, from whom a sample of 384 individuals was selected using a multistage random sampling technique. The data analysis was conducted using SPSS and SmartPLS software. The results suggested that the mean level of life satisfaction among the study population was moderate, whereas the level of social indifference was above the average. Life satisfaction had a standardized effect of $\beta = -0.313$, which explained about 9.7% of the variance in social indifference. Moreover, age played a moderating role in the relationship between life satisfaction and social indifference,

1. This article is extracted from the Master's thesis of the first author submitted to Yasouj University.

2. Corresponding Author. Email: sbeheshty@yu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Ahmadi Falhi, M. and Beheshti, S. S. (2025). A Sociological Explanation of the Effect of Life Satisfaction on Social Indifference Among Citizens of Ahvaz. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(2), 141-173
Doi: 10.22067/social.2025.92103.1609

while gender did not significantly affect the strength of this relationship. Social indifference, a source of myriad issues and harms per se, is significantly swayed by the level of life satisfaction. Improving social, cultural, and economic conditions that enhance people's life satisfaction can lead to a significant reduction of about 10% in social indifference among citizens.

Keywords: Sociological Explanation, Life Satisfaction, Social Indifference, Citizenship, Ahvaz City.

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر اهواز^۱

معصومه احمدی‌فالحی (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

ahmadi.masoomeh2@gmail.com

سید صمد بهشتی (استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، نویسنده مسئول)

sbeheshty@yu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تبیین جامعه‌شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر اهواز می‌پردازد. رضایت از زندگی سازه‌ای اجتماعی، متنوع و چندبعدی است که ابعاد گوناگون روانی، اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که رضایت از زندگی چه اثری می‌تواند بر پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی، که از مهم‌ترین آسیب‌ها و پدیده‌های شیوع‌یافته در چند دهه گذشته ایران است، داشته باشد؟ این پژوهش به روش کمی و با استفاده از شیوه پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه انجام شده و جامعه آماری آن را شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز تشکیل می‌دهند که تعداد ۳۸۴ نفر از آنان به‌عنوان نمونه تحقیق، به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. داده‌های تحقیق با نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS تحلیل شده‌اند. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری در حد متوسط است، اما سطح بی‌تفاوتی اجتماعی بالاتر از میانگین طیف قرار دارد. رضایت از زندگی تأثیر استاندارد برابر با ۰,۳۱۳- دارد و می‌تواند حدود ۹,۷ درصد از تغییرات واریانس بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کند. متغیر سن اثر مداخله‌ای بر رابطه رضایت از زندگی و بی‌تفاوتی اجتماعی دارد، اما شدت این رابطه بر حسب جنسیت افراد تغییر نمی‌کند. بی‌تفاوتی اجتماعی، به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند خود منشأ بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی باشد، تحت تأثیر

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه یاسوج است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲، صص ۱۷۳-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

سطح رضایت از زندگی قرار دارد. با فراهم سازی شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسب برای افزایش سطح رضایت از زندگی، می توان میزان بی تفاوتی اعضای جامعه را به شکل معناداری و تا حدود ۱۰ درصد کاهش داد.

واژگان کلیدی: تبیین جامعه شناختی، رضایت از زندگی، بی تفاوتی اجتماعی، شهروندی، شهر اهواز.

۱. مقدمه

بی تفاوتی اجتماعی به نوعی بی اعتنائی و عدم حساسیت افراد نسبت به محیط و مسائل پیرامون خود گفته می شود. این پدیده با پیامدهای منفی متعددی در سطح فردی و اجتماعی همراه است؛ از جمله احساس یأس و ناامیدی، بیهودگی و افسردگی، تضعیف روابط اجتماعی، کاهش همدلی و نوع دوستی، گسست و کاهش انسجام اجتماعی و همچنین توقف یا کند شدن روند توسعه در کشور. بی تفاوتی اجتماعی به معنای بی احساسی، بی علاقه‌گی، بی میلی و دل سردی نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوق شهروندی است و در نهایت منجر به کناره گیری افراد و کاهش مشارکت فعال آنان در امور جامعه می شود.

این پدیده که در دنیای مدرن و همچنین در کشور ما، ایران قابل مشاهده است به وضعیتی اطلاق می شود که مانع هرگونه مشارکت و تعامل فعال، آگاهانه، مستمر و پایدار برای تشکیل جامعه دموکراتیک و زندگی اجتماعی می شود. این وضعیت با طرد هرگونه اقدام فعال در تصمیم گیری سطوح خرد و کلان جامعه رو به بهبود است و از تأثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و در نهایت زوال و عقب ماندگی آن می کاهد (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴: ۵۴).

بی تفاوتی اجتماعی از جمله عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیشتر از حد بر ترجیحات شخصی و علائق فردی در زندگی شهری معاصر تجلی یافته و به عنوان مانعی در ایجاد و برقراری روابط اجتماعی مثبت و افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته است که به تضعیف یا حتی توقف روند توسعه ملی می انجامد (قاضی زاده و کیانپور، ۱۳۹۴: ۶۰).

بسیاری از ما ویدئوهای مختلفی از قبیل تضييع حقوق و اموال مردم در اماکن عمومی، دعوا و درگیری، سرقت و ... را دیده‌ایم که نشان می‌دهد فردی شاهد این اتفاقات بوده و توجهی به دعوا، جنایت یا وقوع آن نداشته است. این موضوع مصداق بارز بی‌تفاوتی اجتماعی در بین افراد جامعه است. با این وجود می‌توان بیان کرد که در مطالعات اجتماعی از این مفهوم (بی‌تفاوتی اجتماعی) به‌عنوان یکی از آسیب‌های مهم در روابط انسانی و اجتماعی افراد یاد می‌شود و ما ایرانیان نمونه‌های بارز آن را در سطوح خرد و کلان تجربه کرده‌ایم؛ بی‌تفاوتی مسئولان در شناسایی اولویت‌ها و تأمین نیازهای اساسی جامعه، همراه با کاستی در پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندان و نیز بی‌تفاوتی متقابل مردم نسبت به عملکرد نهادهای مسئول، از نمودهای آشکار تضعیف کنشگری اجتماعی به‌شمار می‌آید. این وضعیت در امتناع برخی افراد از وساطت، پیشگیری یا پایان‌دادن به درگیری‌هایی که گاه به مرگ یکی از طرفین منجر می‌شود، همچنین در بی‌اعتنایی گروهی از شهروندان به رعایت پروتکل‌های بهداشتی در دوره شیوع ویروس کرونا قابل مشاهده است. افزون بر این، ثبت و انتشار تصاویر رویدادهای ناگوار برای هم‌وطنان در شبکه‌های اجتماعی، بدون هرگونه اقدام عملی برای یاری‌رسانی، جلوه‌ای دیگر از این بی‌تفاوتی اجتماعی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، تداوم روند روبه‌افزایش مصرف حامل‌های انرژی نظیر آب، برق و بنزین، در شرایطی رخ می‌دهد که آگاهی عمومی نسبت به محدودیت و کمبود این منابع در میان شهروندان وجود دارد. همچنین، فقدان اعتراض جدی و فراگیر نسبت به بی‌قانونی برخی قانون‌گذاران، بی‌تفاوتی نسبت به موضوع هسته‌ای و پیامدهای آن برای منافع آینده کشور، بی‌اعتنایی به حقوق اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های حاشیه‌ای، و مشارکت بسیار پایین انتخاباتی در انتخابات مجلس سال ۱۴۰۲ و انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳، تنها بخشی از مصادیق این وضعیت به‌شمار می‌آید.

علاقه به بررسی چرایی و وضعیت رضایت و رفاه انسان سابقه طولانی دارد و تمام تلاش‌های فرهنگی و تمدنی بشر ایجاد زمینه‌ها، توانایی‌ها و امکانات لازم برای ارتقای کیفیت زندگی بوده است

(رفیع پور، ۱۳۸۷: ۳۴). تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی در واقع ریشه در رضایت از خود، جامعه و به طور کلی شرایط زندگی فرد دارد. از طریق تجزیه و تحلیل شرایط اطراف، هر فرد می تواند موقعیت شخصی خود را درک و ارزیابی کند. این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که مؤلفه های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل ذهنی و ارزیابی شرایط خود و جامعه نسبت به دیگران است. اگر ارزیابی فرد از موقعیت شخصی یا زندگی اش منجر به نتایج منفی شود، این احساس منفی به همان قسمت محدود نمی شود و بر بسیاری از رفتارها و گرایش های فرد به موقعیت شخصی و شرایط اجتماعی تأثیر می گذارد (علی بابایی و باینگانی، ۱۳۹۰: ۱۸).

رضایت از زندگی^۱ بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به دنیایی است که فرد در آن زندگی می کند؛ یعنی همان احساس رضایت است که زمان زیادی را صرف دستیابی به آن می کند. این فلسفه ای است که انسان آگاهانه برای زندگی خود انتخاب می کند و ناخودآگاه آن را در ذهن خود نگه می دارد (خوارزمی، ۱۳۸۶: ۸). طبق نظر اوزکامپ^۲ (۱۹۹۵)، رضایت از زندگی به تجربه شناختی و قضاوتی اشاره دارد که به عنوان تفاوت درک شده بین میل و پیشرفت در زندگی (یعنی تحقق میل) تعریف می شود. این تعریف طیفی را تشکیل می دهد که شامل ادراک محرومیت تا احساس محرومیت می شود (هزارجریبی و صفری شالی؛ ۱۳۸۸: ۲).

مطالعات تجربی در مورد رضایت از زندگی و سپس در چارچوب وسیع تری از رفاه ذهنی از ابتدای قرن بیستم شکل گرفت. فلوگل^۳ خلق و خو را از طریق ثبت وقایع احساسی مطالعه کرد. محققان پس از جنگ جهانی دوم نیز رضایت و شادی از زندگی را با استفاده از فهرست های ساده بررسی کردند (بیانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

1. Life satisfaction

2. Ozcamp

3. Felogel

اخیراً رضایت از زندگی مورد توجه جامعه‌شناسان و سایر رشته‌های مرتبط با توسعه قرار گرفته است. می‌توان گفت افراد زمانی از زندگی خود رضایت دارند که از نظر زیستی، روانی، اقتصادی و اجتماعی در شرایط مطلوبی قرار داشته باشند. رضایت از زندگی نقش مؤثری در جهت‌دهی به رویکردهای برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی ایفا می‌کند. به بیان دیگر، تدوین برنامه‌های توسعه بر اساس داده‌های برخاسته از بافت اجتماعی، موجب تغییر رویکرد برنامه‌ریزی از بالا به پایین به پایین به بالا می‌شود و در نتیجه، به تقویت سیاست‌گذاری اجتماعی مبتنی بر مشارکت شهروندان می‌انجامد (محسنی‌تبریزی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

آمارهای مختلف نشان می‌دهند در زمینه رضایت از زندگی ایرانیان وضعیت چندان مطلوبی ندارند. البته باید به این نکته اشاره کرد که به مانند بسیاری از پدیده‌های انسانی رضایت از زندگی نیز دایره مفهومی کاملاً مشخصی ندارد و محققین به‌صور مختلف آن را تعریف و یا بعدبندی می‌کنند. در ادامه برخی آمارهایی که به نوعی با این مفهوم درارتباط هستند بررسی می‌شوند.

در زمینه شادی در مطالعه‌ای که سایت بررسی جمعیت جهان در سال ۲۰۲۴ بین ۱۴۵ کشور جهان انجام داده است، کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، دانمارک و ایسلند برای چندمین سال متوالی با نمراتی بالاتر از ۷,۵ در رأس شادترین کشورهای دنیا قرار گرفته‌اند. ایران نیز با نمره ۴,۹۲ رتبه ۱۰۰ را به خود اختصاص داده است. یعنی وضعیتش بهتر از ۴۵ کشور و بدتر از ۹۹ کشور مطالعه شده بوده است (ورلد پاپولیشن ریویو، ۲۰۲۴). سایت داده‌های جهانی نمره خوداظهاری رضایت از زندگی در ایران را در سال ۲۰۲۳ در دامنه صفر تا ده برابر با ۴,۹۲ اعلام کرده است (اور ورلد این دیتا، ۲۰۲۴). همچنین سایت گزارش شادی براساس داده‌های پیوسته سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ رتبه ایران را در بین ۱۴۳ کشور مطالعه شده برابر با ۱۰۰ نمره ۴,۹۲۳ اعلام کرده است. در این گزارش

نیز همچنان فنلاند و دانمارک و سوئد در بالاترین رتبه‌ها و لبنان و افغانستان در انتهای جدول دیده می‌شوند (گزارش شادی، ۲۰۲۴).

در سال‌های اخیر شهر اهواز به‌عنوان مرکز استان خوزستان و شهر اهواز در کنار سایر شهرهای بزرگ ایران با رشد فیزیکی و افزایش جمعیت مواجه بوده و به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ کشور شناخته می‌شود. براساس آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵، جمعیت اهواز حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است و هشتمین شهر پرجمعیت ایران (مرکز آمار ایران) است. هرچند در زمینه رضایت از زندگی اهوازی‌ها اطلاعات مستندی در دسترس نیست، اما براساس تجربه زیسته و نیز مشاهدات محققان، مردم این شهر نیز به‌تبع وضعیت عمومی ایران از زندگی خود ناراضی هستند و مصادیق بی‌تفاوتی اجتماعی که در مثال‌های بالا گفته شد نیز به‌وفور در آن دیده می‌شود. حال سؤال اینجاست که آیا بی‌تفاوتی شهروندان اهوازی ریشه در رضایت آنها از زندگی دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان با تغییر رضایت از زندگی اهوازی‌ها از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته و آسیب‌های تبعی آن را به حداقل رساند؟ پاسخ به این سؤال انگیزه شکل‌گیری این تحقیق بوده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

می‌توان رضایت از زندگی را به‌عنوان درجه‌ای در نظر گرفت که فرد براساس آن کیفیت کلی زندگی خود را به‌طور مثبت ارزیابی می‌کند. به عبارتی، این درجه نشان‌دهنده میزان تمایل فرد برای کنترل و تسلط بر زندگی خود است. مترادف‌های رایج رضایت از زندگی عبارتند از «شادی» و «بهزیستی روانی». مزیت استفاده از اصطلاح رضایت از زندگی به جای واژه «شادی»، ذهنی بودن این مفهوم است؛ زیرا واژه شادی می‌تواند به جنبه‌های عینی نیز اشاره داشته باشد.

مزیت واژه رضایت از زندگی برچسب بهزیستی روانی، اشاره به ارزیابی کلی از زندگی است، نه به احساسات فعلی یا علائم روانی خاص (ساریس^۱ و همکاران، ۱۹۹۶: ۱-۶) معنا و مفهوم رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به دنیایی است که در آن زندگی می‌کند؛ یعنی همان احساس رضایتی که فرد برای دستیابی به آن تلاش می‌کند. این نگرش، فلسفه‌ای است که انسان آگاهانه برای زندگی خود برمی‌گزیند و در گذر زمان به صورت تجربه‌ای درونی شده، به گونه‌ای ناخودآگاه در ذهن و رفتار او تثبیت می‌شود. (خوارزمی، ۱۳۸۶: ۸).

از نظر پارسونز^۲، ثبات نظام اجتماعی تا حد زیادی به تعادل رضایت وابسته است. وی پایداری نظام اجتماعی را براساس رابطه میان انتظارات اخلاقی افراد و میزان انطباق دیگران با این انتظارات تبیین می‌کند؛ به گونه‌ای که هرچه رفتار افراد با قواعد اخلاقی مطلوب هماهنگ‌تر باشد، ثبات اجتماعی تقویت می‌شود. پارسونز بر این باور است که افراد به تدریج می‌آموزند از چنین هم‌نوایی‌ای رضایت داشته باشند و از آنجا که ظرفیت رضایت آنان به مرور تغییر می‌کند، ارزش‌ها و هنجارهای موجود را می‌پذیرند. بر این اساس، از دیدگاه او تغییر در سطح رضایت مسئله‌آفرین نیست؛ زیرا آنچه پارسونز به طور ضمنی دنبال می‌کند، ثابت نگه داشتن سطح رضایت به منظور تأکید بر اهمیت انطباق با قواعد اخلاقی رایج در جامعه است (گولدرن، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

از نظر اینگلهارت^۳ (۱۹۹۸)، احساس رضایت از زندگی بازتابی از تعادل بین تمایلات شخصی و موقعیت عینی فرد است. مدلی که برای تأیید تحلیل فوق استفاده می‌شود، مدل تطابق خواسته نامیده می‌شود. الگویی که براساس آن خواسته‌های شخصی به تدریج با تغییر موقعیت عینی تطبیق داده می‌شود و این تطابق به گونه‌ای انجام می‌شود که بین غم و شادی تعادل ایجاد می‌کند. در اینجا نظریه

1. Saris

2. Talcott Parsons

3. Inglehart

سازگاری ذهنی مطرح می‌شود، این بدان معناست که سطح خواسته‌های فرد به تدریج با موقعیت او مطابقت دارد و شادی همیشه بالای تپه بعدی است (رنگین کمان، ۱۳۸۶: ۳).

طبق نظر ازکمپ^۱ (۱۹۹۵)، رضایت از زندگی به تجربه شناختی و قضاوتی اشاره دارد که به عنوان تفاوت درک شده بین میل و پیشرفت در زندگی (یعنی تحقق میل) تعریف می‌شود، این تعریف طیفی را تشکیل می‌دهد که شامل درک راحتی تا احساس محرومیت می‌شود، این مفهوم با مفهوم شادی که بر تجربه عاطفی (هیجان و احساسات) تأکید دارد متفاوت است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۲). پاتوت^۲ و دینر^۳ (۱۹۸۵) رضایت از زندگی را فرآیندهای قضاوتی تعریف کردند که در آن افراد کیفیت زندگی خود را براساس مجموعه‌ای از معیارهای منحصر به فرد ارزیابی می‌کنند. این تعریف نشان می‌دهد که رضایت از زندگی یک هدف دائمی برای فرد نیست، بلکه نسبت به تغییرات زمینه‌ای حساس است و از دیدگاه خود پاسخ‌دهندگان مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد (سوامی و چامرو^۴؛ ۲۰۰۸: ۲۵).

دینر (۱۳۸۹) نشان داد که در سطح تحقیقات فردی، احترام به خود با رفاه درونی همبستگی دارد و بهزیستی درونی با رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی، از جمله رضایت از خود، خانواده و دوستان، مرتبط است. همچنین، این همبستگی در کشورهای فردگرا بیش از کشورهای جمع‌گرا مشاهده می‌شود. شایان ذکر است که فردگرایی با سطح ثروت نیز ارتباط نزدیکی دارد.

عنصر رضایت یکی از ارکان اساسی سلامت روان و انسجام و همبستگی اجتماعی است و توجه به آن اهمیت دارد، زیرا از طریق آگاهی از وضعیت روانی جامعه می‌توان بسیاری از عناصر اجتماعی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. از سوی دیگر، باید توجه داشت که وجود و تداوم

1. Azcamp

2. Pavot

3. Diener

4. Swami & Chamorro

نارضایتی در زندگی مردم برای هر نظام اجتماعی مشکل‌ساز است؛ زیرا گسترش آن می‌تواند تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد آنان به سایر اعضای جامعه را تضعیف کرده و منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی شود (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۸۸: ۲۲).

در جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، امکان رشد اقتصادی مستمر عملاً محدود است و حتی در مواردی که رشد اقتصادی مشاهده می‌شود، براساس یافته‌های تحقیقات مولر^۱ (۱۹۹۵)، شدت نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی موجب می‌شود تنها درصد اندکی از اعضای جامعه بتوانند از فرصت‌های فعالیت اقتصادی مستمر بهره‌مند شوند. این وضعیت می‌تواند نارضایتی گسترده‌ای ایجاد کند. علاوه بر این، قرار گرفتن کشورهای توسعه‌نیافته در مسیر مدرنیسم باعث کاهش باورهای سرنوشت‌گرایانه در میان شهروندان می‌شود که خود می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی گردد (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۷۴).

ایجاد احساس رضایت در شهروندان و تشویق آنان به مشارکت در اداره شهر، نیازمند برنامه‌ریزی منظم و جامع است. مدیریت شهری می‌تواند با ارائه تصویری مثبت از عملکرد شهرداری و ایجاد تعامل مؤثر با شهروندان، زمینه امیدبخشی و مشارکت فعال آنان در فعالیت‌های شهری را فراهم سازد (برک‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

برخی از نظریه‌های بی‌تفاوتی اجتماعی مبنی بر نقش انواع نارضایتی‌های اجتماعی در جامعه، به‌عنوان عامل محرک در بروز این پدیده شناخته می‌شوند. فردینبرگ^۲ از خودبیگانگی را مترادف نارضایتی می‌داند و آن را منبع اصلی فعالیت فردی می‌داند. به گفته وی، چنین احساس نارضایتی در فرد باعث می‌شود که او به‌نوعی جدایی از مسائل پیرامونی گرایش پیدا کند و خود را از تمام آنچه قبلاً با آن در ارتباط بوده، جدا و منتفی بداند. درواقع در چنین شرایطی، فرد به خود به‌عنوان

1. Müller

2. Friedenberg

سوژه‌ای بیرونی نگاه می‌کند و نوعی تضاد، تعارض و عدم ارتباط و شناخت از درون، بین خود و این موضوع را تصور می‌کند. فردی که احساس نارضایتی دارد خود را ناتوان می‌بیند تا در موقعیت و شرایط محیطی خود تغییری ایجاد کند. از این رو، نارضایتی منجر به احساس ناتوانی و ناامیدی می‌شود (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۱۶-۶۹، به نقل از محسنی تیریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

رضایت از زندگی و کار، به‌ویژه زمانی که با رضایت از محیط اجتماعی و محله همراه باشد، می‌تواند انگیزه و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی و شهری را تقویت کند. رفیع‌پور (۱۳۷۲) بر این نکته تأکید دارد که تداوم اقدامات مثبت اجتماعی در جامعه، تا حد زیادی با میزان رضایت افراد از زندگی شخصی و محیط اجتماعی آن‌ها مرتبط است. یافته‌های مشابه نیز در تحقیقات کاظمی‌کرد آسپاسی (۱۳۸۱) و حسین‌زاده (۱۳۸۵) مشاهده شده است؛ این نتایج نشان می‌دهد که رضایت فردی و اجتماعی نقش مهمی در تشویق به مشارکت مدنی و تعاملات اجتماعی دارد. این یافته‌ها با نظریه انتشار گرونبرگ همخوانی دارد که بر اثرگذاری رضایت فردی بر رفتار اجتماعی و مشارکت جمعی تأکید می‌کند.

کوثری (۱۳۷۴) نشان داده که رضایت از زندگی در بیشتر شدن مشارکت، تأثیر بسزایی داشته است (به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱).

برخی از محققان غربی نشان داده‌اند که گرایش به بی‌تفاوتی سیاسی در جوامع اروپایی و آمریکای شمالی، که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، بازتابی از نارضایتی مردم از عدم موفقیت سیاسی در بررسی و حل مشکلات جدید بود (لیپست و اشنایدر، ۱۹۸۳؛ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۱). لیپست در کتاب «انسان سیاسی» می‌نویسد: کسانی که باور دارند دموکراسی تنها از راه مشارکت گسترده شهروندان تحقق می‌یابد، بر این نکته تأکید دارند که رضایت از زندگی در یک کشور دموکراتیک، زمانی معنا دارد که بخش بزرگی از جمعیت آن در امور سیاسی فعال باشند. کشوری که در آن بخش عمده‌ای از مردم بی‌تفاوت، بی‌علاقه یا ناآگاه باشند، نمی‌تواند از رضایت عمومی

برخوردار باشد و در نتیجه، اجماع سیاسی در آن ضعیف خواهد بود. ثانیاً، همان‌طور که «کی» کارشناس علوم سیاسی بیان کرد، وقتی میزان رأی پایین است، همیشه به این معناست که گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی و اقتصادی کمتر در دولت حضور دارند. عدم مشارکت نیز حاکی از فقدان شهروندی مؤثر و عدم تعهد به کل نظام است (لیپست، ۱۹۶۳؛ به نقل از صداقتی‌فرد، ۱۳۹۲: ۸۰). پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی پدیده‌ای بسیار پیچیده است که به تبیین در ابعاد مختلف نیاز دارد. به‌ویژه با بررسی نظریه‌های مربوط به بی‌تفاوتی اجتماعی، مشخص می‌شود که بین عوامل مختلف دخیل، رابطه مؤثر و چندوجهی وجود دارد که هر یک با توجه به مختصات این عوامل یا شرایط مختلف می‌توانند بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیر بگذارند. به‌طور کلی، در مورد چگونگی بروز بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه و پیروی افراد از آن، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد، بنابراین یک نظریه یا رویکرد نمی‌تواند هر آنچه را که لازم است توضیح دهد.

مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی، ترجمه فارسی اصطلاح انگلیسی Social apathy است و در زبان فارسی به تعبیر مختلفی ترجمه شده است؛ گاه به‌صورت «بی‌بندوباری و بی‌احساسی اجتماعی» یا «بی‌حالی یا بی‌احساسی» نیز آمده است (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۵). تعاریف متفاوتی از این مفهوم توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده است. برای مثال، هارولد کاپلان^۲ و بنیامین سادوک^۳ بی‌تفاوتی را رفتاری می‌دانند که در آن فرد دچار فقدان توجه یا بی‌توجهی به احساسات و عواطف انسانی است، بی‌علاقگی و سطح پایین عاطفی دارد و درگیری با مشکلات و نیاز به همراهی دیگران در محیط اطراف، در او ظاهر می‌شود. این رفتار می‌تواند شباهت‌هایی با علائم افسردگی یا روان‌پریشی داشته باشد (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۳). جامعه‌شناسان نیز بی‌تفاوتی اجتماعی را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار داده‌اند.

1. Key

2. Harold Kaplan

3. Benjamin J. Sadock

وبر^۱ معتقد است که «قفس آهنین» یکی از دستاوردهای نظام سرمایه‌داری است که باعث بی‌تفاوتی اجتماعی مردم می‌شود. این قفس، که به گفته وبر یک سیستم بوروکراتیک است، موجب می‌شود مردم تحت سلطه این سیستم قرار گیرند، سلطه‌ای که بدون اراده آن‌ها اعمال می‌شود. تحت حاکمیت این قفس آهنین، زندگی انسان توسط نیروی گریزناپذیر سرنوشت تعیین و تعریف می‌شود؛ سرنوشتی که ما را از حبس در این قفس آگاه می‌سازد و با لحنی جدی، یادآور سخنان نیچه است: هیچ‌کس نمی‌داند در آینده این قفس آهنین چه رخ خواهد داد، آیا در پایان این رشد خارق‌العاده، پیامبران جدید ظهور خواهند کرد؟ آیا ایده‌ها و آرمان‌های قدیمی تولد تازه‌ای خواهند یافت یا خیر؟ و اگر خیر، آیا تحجر ماشینی، آراسته به نوعی منیت، رخ خواهد داد؟ در مورد آخرین مرحله این رشد فرهنگی، در واقع می‌توان گفت که حرفه‌ای‌ها و لذت‌گرایان فاقد احساسات هستند؛ این پوچی تصور می‌کند که آن‌ها به سطحی از تمدن رسیده‌اند که پیش‌تر هیچ‌کس بدان دست نیافته است (استونز، ۱۳۹۳: ۶۲).

آبرل^۲ و همکارانش بر شرایط اساسی‌ای تأکید دارند که در صورت نبود آن‌ها، جامعه‌ای شکل نخواهد گرفت. این عوامل به جمعیت بی‌تفاوت جامعه مربوط می‌شود که در واقع تهدیدی برای هر جامعه به‌شمار می‌آید. اگرچه میزان بی‌تفاوتی اهمیت دارد، زیرا برخی بخش‌های جامعه همواره حداقل بی‌تفاوتی را نشان می‌دهند، اما در برخی موارد ممکن است جمعیت جامعه به‌قدری بی‌تفاوت شود که اجزای مختلف جامعه از کار بیفتند و در نهایت، جامعه از هم بپاشد (ریزر، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

گئورگ زیمل^۳ معتقد است که شهرهای بزرگ عرصه اصیل فرهنگ مدرن هستند. از نظر زیمل، مردم شهرهای بزرگ از آزادی معنوی و پالایش‌شده‌ای برخوردارند که آن‌ها را در برابر تحقیرها و تعصبانی که ممکن است در فرد شهری مشاهده شود، مصون می‌سازد؛ زیرا بی‌تفاوتی، احتیاط متقابل

1. Weber

2. April

3. Georg Simmel

و شرایط زندگی معنوی در محافل بزرگ، هیچ‌گاه به شدت تجربه‌ای که در شهرهای بزرگ به دلیل برخورد این عوامل رخ می‌دهد، توسط فرد احساس نشده است. مشاهده این آزادی نشان می‌دهد که هیچ‌کس تحت شرایط خاص، در هیچ مکان دیگری مانند کلان‌شهر احساس تنهایی و گمراهی نمی‌کند؛ زیرا در اینجا، همانند سایر مکان‌ها، نیازی به انعکاس آزادی فرد وجود ندارد (زیمل، ۱۳۵۸: ۱۰۶-۱۰۵).

زیمل یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد ساکن در شهرهای بزرگ را «آزادی شخصی» و «آزادی حرکت» آن‌ها می‌داند. او مدل تحلیلی خود را در قالب دو مفهوم «فرهنگ ذهنی» و «فرهنگ عینی» ارائه می‌کند و معتقد است که غلبه فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی، موجب بیگانگی در جامعه می‌شود. در جوامع غربی، رفتار اجتماعی در قالب مشارکت مدنی فعال (زندگی) همراه با توسعه جامعه و تمدن مدرن در حال شکل‌گیری است (نوابخش، میرزاپوری و لوکلا، ۱۳۹۴: ۵۸).

گافمن^۱ از مفهومی به نام «کنش دوسویه بدون تمرکز» یاد می‌کند که بسیار نزدیک به مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی است. اقدامات ساده‌ای مانند ایستادن در آسانسور، پرسه زدن در خیابان، ایستادن در صف در اتاق انتظار یا روی نیمکت پارک، نشستن، رفت‌وآمد در توالی عمومی و بسیاری از فعالیت‌های روزانه دیگر، حوزه مهمی از سازمان اجتماعی را نشان می‌دهند. به‌طور کلی، یک گردهمایی غیرکانونی، مانند یک اقدام دوسویه کانونی، شامل قوانین هنجاری مربوط به فاصله‌گذاری حرکت، تعیین موقعیت، گوش دادن، صحبت کردن و ارائه خود است. در برخوردهای غیرکانونی، زمانی که افراد در محیط عمومی هنوز درگیر اجرا هستند، هیچ نزدیکی یا تمرکز شدید توجه و رابطه حضوری اجباری وجود ندارد، اما به دلیل آنکه مخاطب درگیر رو در رو یا مکالمه طولانی مدت نیست، عملکرد می‌تواند آرام‌تر و کمتر تحریک‌کننده باشد. مردم می‌توانند با نادیده گرفتن و تحمل شکاف‌های کوچک در هنجارها، خود و اعمال تشریفاتی خود را بدون تنش و رنجش انجام دهند و

1. Goffman

حرکت کنند. به این ترتیب، افراد اقدامی دوسویه بدون تمرکز و بدون حادثه انجام می‌دهند و با نگاه‌های زیرکانه، تکان دادن سر، تماس چشمی لحظه‌ای، تغییر جهت و سایر اقدامات روزمره، یک واقعیت معنادار خلق می‌کنند (ترنر، ۱۳۹۴: ۵۱۷-۵۱۴).

همان‌طور که مشاهده شد، نظریه جامعه‌شناختی مشخصی درباره تأثیر رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی وجود ندارد، اما براساس نظر اینگلهارت، فردینبرگ و کمپ و استنباط منطقی از نظریه‌های تبیین‌کننده رضایت از زندگی و بی‌تفاوتی از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون لیپست، وبر، آبرل و زیمل، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که رضایت از زندگی می‌تواند بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیر بگذارد.

به‌طور کلی، در این تحقیق براساس استنباط‌های حاصل از زمینه‌های تجربی و نظری، پژوهشگران به دنبال تبیین جامعه‌شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان اهوازی هستند. از آنجایی که نظریه مدون و مشخصی برای این موضوع وجود ندارد، محققان تلاش کرده‌اند موضوع حاضر را به‌صورت تجربی با استفاده از تکنیک‌های آماری داده‌محور و براساس داده‌های تجربی بررسی کنند.

۳. پیشینه پژوهش

در خصوص نقش رضایت از زندگی در بی‌تفاوتی اجتماعی، مطالعاتی به‌صورت جداگانه انجام شده است که به‌عنوان پیشینه تجربی آورده می‌شود.

بهشتی و همکاران (۱۴۰۳) تأثیر جامعه‌شناختی احساس نابرابری اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی را در میان شهروندان اهوازی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سطح بی‌تفاوتی اجتماعی و احساس نابرابری اجتماعی در میان اهوازی‌ها بالاتر از حد متوسط است و میزان این دو

متغیر بر حسب سن، جنسیت و قومیت متفاوت است. همچنین، احساس نابرابری اجتماعی با اثر استاندارد برابر با $0/4$ می‌تواند ۱۶ درصد از واریانس بی‌تفاوتی اجتماعی افراد را تبیین کند. بهشتی و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی را به‌صورت پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه یاسوج بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که صرف استفاده و گذران زمان در شبکه‌های اجتماعی تأثیری بر بی‌تفاوتی دانشجویان ندارد، بلکه نحوه استفاده از این فضا بر میزان بی‌تفاوتی مؤثر است. همچنین، میزان بی‌تفاوتی بر حسب جنسیت و وضعیت شغلی متفاوت است و دو متغیر مشارکت فعال در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مصرف رسانه‌ای توانسته‌اند ۲۵ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند. براساس مقادیر ضرایب بتا، می‌توان گفت که متغیر مشارکت در استفاده از شبکه‌های اجتماعی با بتای $0/45$ بیشترین تأثیر را بر بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح نمونه تحقیق دارد.

نقدی و رویین‌تن (۱۴۰۲) به بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی، چرایی، چگونگی و پیامدهای آن در شهر همدان پرداختند. نتایج نشان داد که سطح بی‌تفاوتی اجتماعی در این پژوهش برای حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان، متوسط و بالا بوده است و پژوهشگران بر این نکته تأکید کردند که باید بسترهای لازم برای افزایش همدلی و کاهش بی‌تفاوتی در این شهر فراهم شود.

قلانی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر بی‌تفاوتی اجتماعی بر میزان مشارکت شهری در ابعاد اجتماعی و ساخت‌وساز در میان شهروندان شهر میمه پرداختند. نتایج نشان داد که میزان بی‌تفاوتی در میان اکثر پاسخ‌دهندگان به‌طور متوسط ۵۲ درصد است. همچنین، یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی است. تفاوت میزان مشارکت اجتماعی و مشارکت در ساخت‌وساز در میان محلات تأیید شد و مشخص گردید که بی‌تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان در سطح محلات متفاوت است.

سیدین و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر نابهنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی» انجام دادند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که بین متغیرهای بی‌معنی، بی‌اعتمادی، ناتوانی و فردگرایی با بی‌تفاوتی اجتماعی همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد و هرچه میزان نابهنجاری اجتماعی بیشتر باشد، بی‌تفاوتی اجتماعی در میان دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

رفیعی بهابادی و حاجیانی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن» براساس نتایج یک پیمایش ملی انجام دادند. این پژوهش بخشی از نتایج پیمایش ملی «فرهنگ سیاسی مردم ایران» را مورد استفاده قرار داد و به بررسی میزان رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه ایرانی پرداخت. هدف اصلی تحقیق، تعیین میزان رضایت از زندگی شهروندان ایرانی و بررسی رابطه بین متغیرهای احساس عدالت توزیعی، احساس ناتوانی، اعتماد اجتماعی، امید به آینده جامعه و متغیرهای پایه اجتماعی-اقتصادی به عنوان متغیر مستقل با رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته بود. نتایج نشان داد که میانگین رضایت از زندگی شهروندان ایرانی در سال ۱۳۸۴ به طور معناداری کمتر از میانگین کشور بوده است. همچنین، تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که متغیر امید به آینده اجتماعی بیشترین توانایی را در تبیین رضایت از زندگی دارد. پس از آن، به ترتیب متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس ناتوانی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس عدالت توزیعی قرار دارند. ربانی و بهشتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تجربه رابطه بین دینداری و رضایت از زندگی» به بررسی تأثیر دینداری بر میزان رضایت از زندگی ایرانیان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که جنبه‌های مختلف دینداری تأثیر یکسانی بر میزان رضایت از زندگی ندارند؛ به گونه‌ای که اعتقاد به خدا و شرکت در مناسک جمعی دینی رضایت بیشتری از زندگی را برای فرد به همراه می‌آورند. در خارج از کشور، مطالعات مختلفی وجود دارد که با این موضوع مرتبط هستند. چونگ^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف بی‌تفاوتی» بیان کرد که بی‌تفاوتی اجتماعی به کاهش ابتکار عمل در

1. Chong

مشاوره یا مشارکت در فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی اشاره دارد. او همچنین اشاره کرد که بی‌تفاوتی به‌طور سنتی با کاهش سطح انگیزه برای عمل و نقص در فعال‌سازی خودکار همراه است.

یازنیکووا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی دلایل بی‌تفاوتی اجتماعی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج نشان داد که تعدادی از ویژگی‌های رفتار اجتماعی که به افراد نسبت داده می‌شود، با بی‌تفاوتی اجتماعی مرتبط هستند. این ویژگی‌ها شامل مردم‌گریزی، انزوا، بی‌مسئولیتی، انفعال، غوطه‌وری در مشکلات شخصی و قرار گرفتن تحت نفوذ دیگران است.

مطالعه‌ای توسط کیوودو و آبال^۲ (۲۰۱۱) با عنوان «رابطه بین شخصیت و رضایت از زندگی» انجام شد. به گفته آن‌ها، تعاملات اجتماعی باعث افزایش احساس تعلق می‌شود که برای رفاه ضروری است.

مالوف^۳ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان «مدل پنج‌عاملی شخصیت و رضایت از زندگی» در یک فراتحلیل نشان دادند که چهار عامل از پنج عامل شخصیتی با رضایت از زندگی رابطه معناداری دارند. این عوامل شامل عصبی بودن کم، توافق، وظیفه‌شناسی بالا و برون‌گرایی بالا هستند.

تحقیق گیولاکتی^۴ (۲۰۱۰) با عنوان «اثر حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی» نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده ۴۳ درصد از رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. او معتقد است که گذراندن وقت با خانواده تأثیر مستقیم بر رضایتمندی افراد دارد. همچنین، حمایت ادراک‌شده از دوستان به‌طور غیرمستقیم بر میزان رضایت فرد تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که اگر فرد خود را بهتر از

1. Viaznikova

2. Komodo & Abel

3. Malouf

4. Gulacti

دوستانش درک کند، رضایت او افزایش می‌یابد. در کل، افرادی که از حمایت اجتماعی بالایی برخوردارند، احساس رضایت بیشتری از زندگی خود دارند.

کپتین، آری و اسمیت^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «رضایت از زندگی» به بررسی رضایت از زندگی در هلند و ایالات متحده آمریکا پرداختند. در این تحقیق از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که چقدر از درآمد، شغل، سلامت و روابط اجتماعی و خانوادگی خود رضایت دارند. نتایج نشان داد که بین پاسخ‌دهندگان هلندی و آمریکایی در تمامی ابعاد شغل، روابط اجتماعی و خانوادگی و درآمد تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان داد که رضایت از زندگی با چهار بعد رضایت رابطه معناداری دارد که به ترتیب عبارتند از: روابط اجتماعی و خانوادگی، شغل، سلامت و درآمد، که بیشترین تأثیر بر رضایت از زندگی را دارند.

بوگی^۲ (۲۰۰۵) در تحقیق خود با عنوان «تنهایی و رضایت از زندگی در میان دانشجویان ترکیه‌ای» به بررسی رابطه بین تنهایی و رضایت از زندگی در میان ۲۱۴ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه فنی آنکارا پرداخت. نتایج نشان داد که جنسیت بر میزان رضایت از زندگی و احساس تنهایی دانشجویان تأثیر مثبت دارد. براساس این گزارش، دانشجویان پسر به‌طور قابل توجهی احساس تنهایی کمتری دارند و از زندگی رضایت بیشتری نسبت به دانشجویان دختر نشان می‌دهند. همچنین، بین رضایت از زندگی و سطح تنهایی دانشجویان همبستگی منفی وجود دارد. به گفته نویسنده، احساس تنهایی در فرهنگ‌های مختلف ممکن است به دلیل ارزش‌های فرهنگی منحصر به فرد متفاوت باشد. او بیان می‌کند که «تنهایی» برای افراد در فرهنگ‌های فردگرا ممکن است رضایت‌بخش باشد، در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، تنهایی می‌تواند منجر به ناراضایی شود.

1. Kapteyn., Arie & Smith

2. Bugay

پیشینه‌های ذکر شده نشان می‌دهند تاکنون تحقیقی که مشخصاً اثر رضایت از زندگی را بر بی‌تفاوتی مردم مورد بررسی قرار داده باشد انجام نشده است و جا دارد که این موضوع مورد بررسی تجربی قرار بگیرد.

۴. روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، روش تحقیق این مقاله از نوع کمی و شیوه پیمایشی است. این تحقیق از لحاظ زمانی مقطعی و از نظر عمومیت تحقیق، گسترده و نیز از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز هستند که تعداد آن‌ها مطابق آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۶,۲۰۰,۰۰۰ نفر است. نمونه تحقیق نیز با میزان خطای ۵ درصد و با استفاده از جدول نمونه‌گیری لین، ۳۸۴ نفر برآورد شده است.

شیوه نمونه‌گیری این تحقیق از نوع تصادفی چندمرحله‌ای بوده است و روش اجرای آن نیز به این صورت است که در ابتدا از بین مناطق مختلف شهر اهواز بعضی از محله‌های شهر اهواز از جمله: کوی رمضان، کوی مهدیس، گلستان، شهرک دانشگاه، محله نادری (مرکز شهر) به صورت تصادفی برگزیده شدند و پس از آن از هر محله دو خیابان اصلی به صورت تصادفی انتخاب شدند، سپس با مراجعه حضوری به درب برخی منازل انتخاب شده با اطمینان از اینکه شهروند ساکن شهر اهواز هستند از اولین فرد بالای ۱۵ سال خانوار که ملاقات شد، خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کند.

داده‌های تحقیق نیز با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شدند. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و اعتبار سازه و پایایی آن نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برآورد شده است. داده‌های گردآوری شده در بخش توصیفی با نرم‌افزار spss تحلیل شدند و در بخش استنباطی برای بالا بردن سطح دقت در تحلیل داده‌ها از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از

حداقل مربعات جزئی، از نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. دلیل دیگر به کارگیری نرم افزار اخیر این است که چنانکه در سطور قبل هم توضیح داده شد، نظریه مدون و مشخصی برای تبیین تأثیر احساس رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی وجود ندارد، از این رو محققین ناچارند به جای استفاده از تحلیل های نظریه بنیاد از تحلیل های داده بنیاد استفاده کنند و از آنجا که تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور به خوبی چنین کاربردی دارد، این نرم افزار مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱. گویه های اندازه گیری شده به همراه شاخص های اعتماد و پایایی آنها

منبع: (یافته های تحقیق، ۱۴۰۳)

مقدار آلفا	بار عاملی	* لطفاً نظر تان را نسبت به هریک از جملات زیر علامت بزنید (رضایت از زندگی)
۰,۹۰۷	۰,۷۶۶	میزان رضایت از وضعیت درآمد
	۰,۸۴۹	میزان رضایت از وضعیت مسکن
	۰,۸۵۳	میزان رضایت از وضعیت امکانات آموزشی
	۰,۸۱۸	میزان رضایت از وضعیت امکانات بهداشتی
	۰,۸۰۰	میزان رضایت از وضعیت و فرصت های شغلی
	۰,۸۶۴	میزان رضایت از وضعیت امکانات تفریحی - فراغتی
۰,۸۳۶	۰,۶۷۶	آینده سیاسی کشورم برام اهمیتی ندارد.
	۰,۷۸۷	افزایش چند برابری قیمت خانه و خودرو برایم مهم نیست.
	۰,۸۰۸	اختلاس های که در کشور رخ می دهد برایم اهمیتی ندارد.
	۰,۷۹۹	پوشش ظاهری هر شخصی به خودش مربوط است و ربطی به من و شخص و یا نهاد دیگری ندارد.
	۰,۴۳۰	اگر کسی ازم درخواست کمک مادی کند در حد توانم به او کمک می کنم.
	۰,۸۱۲	عکس و فیلم گرفتن از اتفاقات برایم جذابیت بیشتری دارد تا کمک کردن.
	۰,۶۸۸	عملاً اعتراض کردن به وضعیت تورمی جامعه بیهوده است .

در جلوی چشم سرقتی صورت گیرد سعی می‌کنم پلیس را با خبر کنم.	۰,۴۲۱	
--	-------	--

۵. یافته‌های پژوهش

در ابتدا با استفاده از آمار توصیفی نمای کلی نمونه تحقیق و نیز متغیرهای تحقیق مشخص شده‌اند. چنانکه ذکر شد در این تحقیق ۳۸۴ نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که ۵۶ درصد آنها را مردان و ۴۶ درصد باقی‌مانده را زنان تشکیل داده‌اند. پاسخگویان مذکور در بازه سنی ۱۵ تا ۸۰ سال قرار داشته و بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۶-۳۶ سال با فراوانی نسبی ۳۱ درصد قرار داشته است. ۳۳ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۸ درصد متأهل و ۵ درصد مطلقه بوده‌اند. سطح تحصیلات پاسخگویان ۱۰ درصد تحصیلات ابتدایی و بی‌سواد داشته‌اند و بیشترین درصد تحصیلات با ۳۸ درصد در دوره راهنمایی و دبیرستان دیده شده است و تنها ۴ درصد پاسخگویان تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشته‌اند. به لحاظ وابستگی قومی درحالی‌که حدود نیمی از اعضای نمونه عرب هستند، ۱۵ درصد پاسخگویان فارس، ۲۷ درصد لر و ۲۱ درصد پاسخگویان ترک هستند. جدول زیر یافته‌های فوق را نشان می‌دهد:

جدول ۱. توزیع فراوانی برخی متغیرهای زمینه‌ای نمونه تحقیق

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

متغیر	مقادیر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
جنسیت	مرد	213	56,1
	زن	167	43,9
وضع تاهل	مجرد	127	33,4
	متاهل	222	58,4
	مطلقه	20	5,3
	سایر	11	2,9
	شاغل	174	45,8

متغیر	مقادیر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
وضعیت شغلی	غیرشاغل	206	54.2
قومیت	فارس	59	15.5
	لر	105	27.6
	عرب	179	47.1
	ترک	21	5.5
	سایر	16	4.2

با توجه به سطح سنجش فاصله‌ای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق جدول زیر آماره‌های توصیفی متغیرهای مذکور را نشان می‌دهد:

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار حداقل	مقدار حداکثر	میانگین طیف	سطح معناداری
رضایت از زندگی	۱۸,۲۶	۳,۹۵	۶	۳۰	۱۸	۰,۲۰۰
بی‌تفاوتی اجتماعی	۲۸,۵۱	۶,۱۴	۱۳	۴۲	۲۷	۰,۰۰۰

چنانکه از داده‌های این جدول مشخص می‌شود در سطح نمونه و جامعه آماری رضایت از زندگی در حد متوسط طیف است، ولی میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی بیشتر از میانگین است. مطابق با نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای این نتیجه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۳. مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق بر حسب جنسیت

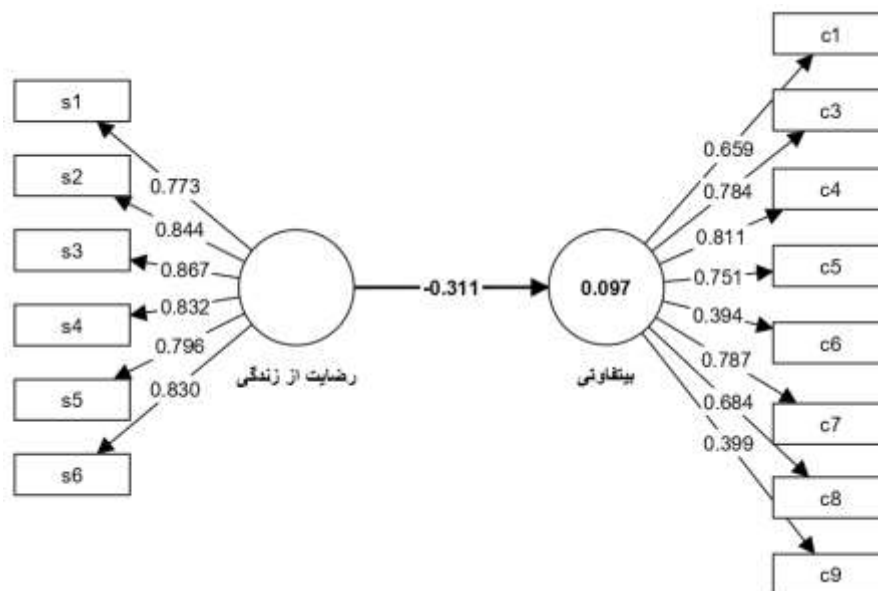
منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
رضایت از	مرد	۱۶۷	۱۹,۰۲	۳,۷۴	۰,۰۰۰

زندگی	زن	۲۱۳	۱۷,۲۹	۳,۹۵
بی تفاوتی	مرد	۱۶۷	۱۹,۰۲	۵,۶۰
اجتماعی	زن	۲۱۲	۲۷,۶۸	۶,۴۲

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند هم در سطح نمونه و هم جامعه آماری سطح رضایت از زندگی زنان به‌طور معناداری از مردان پایین‌تر است و جالب اینکه درعین حال میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین آنها بسیار بالاتر از مردان هست.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق چنان‌که قبلاً توضیح داده شد، از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ واریانس محور با استفاده از حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. برای اندازه‌گیری عامل‌های پنهان رضایت از زندگی و بی تفاوتی اجتماعی از مدل اندازه‌گیری انعکاسی مرتبه اول استفاده شده است. با اجرای مدل تحقیق نتیجه زیر حاصل شده است.



شکل ۱. مدل معادله ساختاری متغیرهای تحقیق

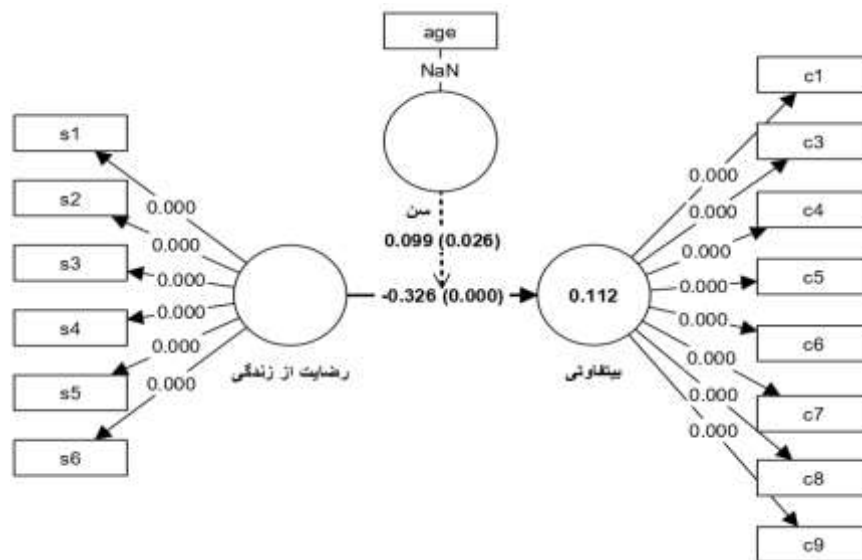
منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

شاخص SRMR مدل به میزان ۰,۰۱۱ نشان می‌دهد مدل تحقیق از نکویی برازش قابل قبولی برخوردار است. بارهای عاملی موجود در مدل نشان می‌دهند که معرف‌های استفاده‌شده برای اندازه‌گیری عامل‌های پنهان کاملاً مناسب هستند. مقدار آلفای کرونباخ و آلفای ترکیبی برای تمامی معرف‌ها نیز بالای ۰,۷ گزارش شده است و نشان می‌دهد معرف‌ها از میزان پایایی قابل قبولی بهره‌مند هستند.

مقدار AVE گزارش شده برای رضایت از زندگی به میزان ۰,۶۳۲ و بی تفاوتی اجتماعی به میزان ۰,۵۲۳ نشان می‌دهد عمل‌های مورد نظر دارای اعتبار هم‌گرای مناسب هستند. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد رضایت از زندگی ۹,۷ درصد واریانس بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کند.

طبق داده‌های این مدل ضریب تأثیر استاندارد رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی برابر است با $-0,311$ ؛ به این معنی که با یک واحد تغییر در انحراف استاندارد احساس رضایت از زندگی، $-0,311$ تغییر در انحراف استاندارد بی‌تفاوتی اجتماعی ایجاد می‌شود. جهت اثرگذاری منفی این ضریب نشان می‌دهد که با افزایش سطح احساس رضایت از زندگی، احساس بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد. نتیجه خودگردان‌سازی داده‌ها با 5000 نمونه‌گیری با جایگزینی نشان می‌دهد این ضریب با فاصله اطمینان ۹۵ درصد در سطح جامعه آماری بین حداقل $-0,402$ تا حداکثر $-0,236$ است.

در خصوص تأثیر متغیر سن بر این رابطه به‌عنوان متغیر مداخله‌گر نتیجه زیر حاصل شد:



شکل ۲. مدل اثر تعدیلگر سن بر رابطه احساس رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

ضریب استاندارد مسیر ($0,099$) و نیز سطح معنی‌داری آن ($0,026$) حاصل از خودگردان‌سازی

داده‌ها، نمایش داده شده در مدل به وضوح نشان می‌دهند که سن در این رابطه به عنوان متغیر تعدیل‌گر اثر دارد و می‌تواند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد؛ به نحوی که با افزایش سن این رابطه شدیدتر می‌شود. همچنین با ورود متغیر سن به عنوان متغیر مداخله‌گر قدرت تبیین‌کنندگی مدل نیز افزایش پیدا کرده و به ۰,۱۱۲ می‌رسد.

در خصوص قدرت تحلیلی مدل برحسب جنسیت می‌توان گفت بین مردان و زنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و زن بودن هرچند در بین نمونه آماری می‌تواند این رابطه را قوی‌تر کند، اما این تفاوت تنها در سطح نمونه آماری است و در سطح جامعه آماری این تفاوت وجود ندارد. ضریب تأثیر مقایسه شده بر حسب جنسیت در سطح نمونه و جامعه آماری را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول ۵. آزمون تأثیر تعدیل‌گر جنسیت بر رابطه احساس رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

گروه جنسیتی	مقدار ضریب در بین نمونه	سطح معنی‌داری	مقدار R^2	فاصله اطمینان ۹۵ درصد ضریب حداقل حداکثر
کل نمونه	-۰,۳۱۱	۰,۰۰۰	۰,۰۹۷	-۰,۴۰۲ -۰,۲۳۶
مردان	-۰,۲۷۰	۰,۰۰۰	۰,۰۷۳	-۰,۴۱۶ -۰,۲۳۳
زنان	-۰,۳۳۲	۰,۰۰۰	۰,۱۱۰	-۰,۴۷۹ -۰,۲۴۳

ذکر این نکته ضروری است که با وارد کردن سن و جنس به عنوان متغیر مداخله‌گر قدرت تبیینی مدل به ۱۲,۴ درصد می‌رسد.

در خصوص رابطه بین قومیت با احساس نابرابری و بی‌تفاوتی اجتماعی نتیجه آزمون means نشان داد بین قومیت و متغیرهای مذکور با اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای هرچند ضعیف وجود دارد. همچنین مجذور ضریب اتا نشان می‌دهد قومیت به تنهایی می‌تواند ۲,۸ درصد از واریانس احساس

نابرابری اجتماعی و ۳,۴ درصد از واریانس متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کند. جدول زیر یافته‌های فوق را نشان می‌دهد:

جدول ۶. همبستگی قومیت با احساس نابرابری و بی‌تفاوتی اجتماعی

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

همبستگی متغیرها	ضریب اتا	مجذور اتا	سطح معنی‌داری
قومیت* رضایت از زندگی	۰,۰۲۴	۰,۰۰۱	۰,۹۹۵
قومیت* بی‌تفاوتی	۰,۱۴۷	۰,۰۲۲	۰,۰۸۳

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم محوری این پژوهش که به واسطه مشاهده برخی رفتارها در جامعه، در ذهن بسیاری از ما تجربه شده، «بی‌تفاوتی اجتماعی» است. بی‌تفاوتی اجتماعی نوعی رفتار است که در جوامع معاصر به‌عنوان یک آسیب اجتماعی جدی، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های روابط انسانی یاد می‌شود. به‌طور کلی، به اعتقاد برخی کارشناسان، بروز پدیده‌ای مانند بی‌تفاوتی در ایران و برخی کشورهای در حال توسعه، از پیامدهای وضعیت «آنومیک» یا نابسامانی اجتماعی است.

رضایت از زندگی نیز متغیر محوری دیگری است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و به‌طور کلی هدف این تحقیق بررسی تأثیر رضایت از زندگی بر وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی بوده است. طبق تحقیقات مختلف تداوم نارضایتی از زندگی مردم، چالشی جدی برای هر نظام اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ چراکه گسترش این نارضایتی می‌تواند به تضعیف تعهد افراد نسبت به نظام ارزشی جامعه و کاهش اعتماد آنان به دیگر اعضای جامعه منجر شود، و در نهایت زمینه‌ساز تحولات اجتماعی گسترده گردد. نباید از نظر دور داشت که ارزیابی مثبت یا منفی افراد از وضعیت خود،

عمدتاً بر پایه تحلیل و مقایسه ذهنی آنان با شرایط دیگران شکل می گیرد. این نوع ارزیابی در صورت منفی بودن، پیامدهایی ناخوشایند به همراه دارد. چنین احساسات منفی نه تنها به همان حوزه محدود نمی ماند، بلکه بسیاری از رفتارها، نگرش ها و واکنش های فرد را نسبت به موقعیت شخصی و شرایط اجتماعی دچار دگرگونی می سازند.

با این وصف این پژوهش با هدف تبیین جامعه شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی شهروندان شهر اهواز انجام شده است و چون در نظریه های جامعه شناختی نظریه ای که مستقیماً به این موضوع بپردازد، یافت نشد بر آن شدیم تا با بررسی تجربی موضوع و بر حسب داده های به دست آمده موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم. نتیجه این مطالعه را می توان چنین بیان کرد:

یافته های حاصل از تحلیل داده ها نشان داد میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری در حد متوسط است ولی سطح بی تفاوتی اجتماعی بالاتر از سطح متوسط طیف است. در مجموع، میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری در حد متوسط است. این یافته ها با تحقیقات انجام شده توسط فرجی و خادمیان (۱۳۹۲) مطابقت دارد، اما با یافته های به دست آمده توسط رفیعی بهابادی و حاجیانی (۱۳۹۱) همخوانی ندارد. دلیل این امر را می توان در جوامع آماری مختلف این تحقیقات و زمان اجرای پژوهش مشاهده کرد. در پژوهش رفیعی بهابادی و حاجیانی میزان رضایت از زندگی شهروندان ایرانی سنجیده شد که به طور قابل توجهی کمتر از میانگین در سال (۱۳۸۴) بود.

گفته شد که میزان بی تفاوتی اجتماعی در سطح جامعه آماری بالاتر از حد متوسط است. این یافته ها با یافته های نقدی و رویین تن (۱۴۰۲) و قلانی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی دارد، اما پژوهش حاضر با یافته های بهشتی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی ندارد؛ علت این امر را می توان در تفاوت جامعه آماری این دو پژوهش دانست؛ به این صورت که جامعه آماری پژوهش مذکور دانشجویان

بوده و طبیعی است که به دلیل شرایط اجتماعی و محیطی موجود در جامعه، نسبت به شرایط اجتماعی کمتر بی تفاوت باشند.

براساس رابطه بین برخی متغیرهای زمینه‌ای با رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی، این نتایج به دست آمد که؛ سن تأثیر مداخله‌ای بر رضایت از زندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دارد، اما شدت این رابطه با توجه به جنسیت افراد تغییر نمی‌کند. بین قومیت و متغیرهای مذکور با اطمینان ۹۵ درصد رابطه ضعیفی وجود دارد. همچنین مجذور ضریب η^2 نشان می‌دهد که قومیت به‌تنهایی می‌تواند ۲٫۸ درصد از واریانس احساس رضایت از زندگی و ۳٫۴ درصد از واریانس متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کند.

در مجموع با توجه به آزمون فرضیه اصلی تحقیق، نتیجه این بود که میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری متوسط، اما میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بالاتر از میانگین طیف است. رضایت از زندگی اثر استاندارد شده‌ای برابر با $0/313-$ دارد و رضایت از زندگی می‌تواند $9/7$ درصد از واریانس بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کند؛ یعنی با یک واحد تغییر در انحراف معیار رضایت از زندگی، $0/311-$ تغییر در انحراف معیار بی‌تفاوتی اجتماعی ایجاد می‌شود. جهت اثر منفی این ضریب نشان می‌دهد که با افزایش میزان احساس رضایت از زندگی، احساس بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین بی‌تفاوتی اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند به تبع خود بسیاری مسائل و آسیب‌های اجتماعی ایجاد کند، تحت تأثیر رضایت از زندگی است و با زمینه‌سازی شرایط برای بالا بردن سطح رضایت از زندگی می‌توان تا چیزی کمتر از ۱۰ درصد میزان بی‌تفاوتی اعضای جامعه را به سطح پایین‌تری رساند.

سخن آخر این است که با توجه به نتایج به دست آمده؛ برنامه‌ریزان و مسئولان جامعه لازم است برای بهبود اوضاع مردم، برنامه‌ریزی مشخصی برای ارتقای رضایت از زندگی در بین مردم جامعه

داشته باشند؛ زیرا پایین بودن میزان رضایت از زندگی در بین مردم به ویژه در بین مردم اهواز و به تبع آن کل کشور می تواند خطر بالقوه ای برای جامعه و نظام اجتماعی به همراه داشته باشد. بنابراین ضروری است که مسئولان با ایجاد نوعی احساس شادی، رضایت و خشنودی، ارتقای سلامت فردی، افزایش امنیت در جامعه و به طور کلی ارتقای رضایت از زندگی و کاهش بی تفاوتی اجتماعی بین مردم کمک کنند.

کتابنامه

۱. استونز، ر. (۱۳۹۳). *متفکران بزرگ جامعه شناسی*. (میردامادی، م، مترجم). چاپ نهم. تهران: نشر مرکز.
۲. اینگلهارت، ر. (۱۳۷۷). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. (وتر، م، مترجم). تهران: نشر کویر.
۳. بیانی، ا؛ کوچکی، م؛ و گودرزی، ع. (۱۳۸۶). *اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی*. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۱۱ (۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
۴. برک پور، ن؛ گوهری پور، ح؛ و کریمی، م. (۱۳۸۹). *ارزیابی عملکرد شهرداری بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری (نمونه موردی مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)*. نشریه مدیریت شهری و روستایی، ۲۵، ۲۰۳-۲۱۸. بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۵. بهشتی، س؛ حیدری، آ؛ و احمدی فالچی، م. (۱۴۰۳). *تبیین جامعه شناختی تأثیر احساس نابرابری اجتماعی بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز)*. نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۱ (۱)، ۲۷۷-۳۱۲.
۶. بهشتی، س؛ نراقی، م؛ عسگری، ا؛ پیشرو، ن؛ و پورصدیقی، ش. (۱۴۰۲). *تبیین جامعه شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی تفاوتی اجتماعی*. نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۱ (۲)، ۶۹-۱۰۷. تابستان ۱۴۰۳.
۷. ترنر، ج. ا. (۱۳۹۴). *نظریه های نوین جامعه شناسی*. (مقدس، ع. ا. و سروش، م، مترجمان). چاپ اول تهران: انتشارات جامعه شناسان.

۸. خوارزمی، ش. (۱۳۸۶). مهارت‌های زندگی: «کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی». همشهری آنلاین.
۹. دینر، ا؛ و سو، ی. (۱۳۸۹). فرهنگ و بهزیستی درونی (غضنفری. ف؛ و هاشمی‌آذر. ژ، مترجمان). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. ربانی، ر؛ و بهشتی، س. (۱۳۹۰). بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی. مجله علوم/اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۸(۱)، ۷۹-۱۰۲. بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۱. ربانی، ر؛ کلانتری، ص؛ و هاشمیان‌فر، ع. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۱)، ۲۶۷-۳۰۶.
۱۲. رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۷). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۳. رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۷). آنومی و آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران). تهران: سروش.
۱۴. رفیعی‌بهبادی، م؛ و حاجیانی، م. (۱۳۹۱). بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن (با استفاده از نتایج پیمایش ملی). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۵)، ۷۸-۵۳.
۱۵. رنگین‌کمان، ا. (۱۳۸۶). رضایت از زندگی. فصلنامه راهبرد، ۴۵، ۱۸۹-۲۰۸.
۱۶. ریتزر، ج. (۱۳۸۹). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (ثلاثی. م، مترجم). چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات علمی.
۱۷. زیمل، گ. (۱۳۵۸). کلانشهر و حیات ذهنی (گزیده مقالاتی از کتاب مفهوم شهر). (اعتماد. گ، مترجم). چاپ اول. تهران: نشر ایران.
۱۸. سیدین، ن؛ ادهمی، ع؛ و خادمیان، ط. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی، ۱۶ (۳)، ۵۵-۸۰.
۱۹. صداقتی‌فرد، م. (۱۳۹۲). بی‌تفاوتی اجتماعی (معناکاوی، بنیان نظری، سبب‌شناسی). اصفهان: نشر بهتا پژوهش.
۲۰. علی‌بابایی، ی؛ و باینگانی، ب. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی (مطالعه جوانان شهرستان پاوه). فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۱۲، ۱۷-۳۶.

۲۱. عنبری، م؛ و غلامیان، س. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷ (۲۰)، ۱۳۳-۱۵۹.
۲۲. قاضی‌زاده، ه؛ و کیانپور، م. (۱۳۹۴). بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۴ (۹)، ۵۹-۷۸.
۲۳. قلانی، ن؛ براتی، ز؛ و سعیدی، م. (۱۴۰۲). بررسی میزان مشارکت شهری در محلات شهری با تأکید بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان میمه). فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۲ (۲۷)، ۷۵-۹۶.
۲۴. گولدنر، آ. (۱۳۸۳). بحران جامعه‌شناسی غرب. (ممتاز، ف، مترجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. محسنی‌تبریزی، ع؛ و صداقتی‌فرد، م. (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲ (۴۳)، ۱-۲۲.
۲۶. مسعودنیا، ا. (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی سیاسی. نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸، ۱۵۲-۱۶۵.
۲۷. نوابخش، م؛ و میرزاپوری‌ولوکلا، ج. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۷ (۳)، ۵۳-۶۷.
۲۸. نقدی، ا؛ و رویین‌تن، م. (۱۴۰۲). بی‌تفاوتی اجتماعی؛ چرایی و چگونگی و پیامدها (مورد مطالعه: شهر همدان). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۲ (۱)، ۸۷-۱۰۴.
۲۹. هزارجریبی، ج؛ و صفری‌شالی، ر. (۱۳۸۸). رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن. فصلنامه پژوهش انتظام اجتماعی، ۳ (۲۲)، ۷-۲۸.

30. Chong, T. T.J. (2020). Definition: Apathy. *Cortex*, 128: 326-327

31. Finifter, A.W. (1970). Dimensions Of Political Alienation. *The American Science Review*, 64, pp. 389-410.

32. Gulaçti, F. (2010). The Effect of Perceived Social Support on Subjective Well-being. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3844-3849.

33. Muler, Edward N. (1995). Economic Determinants of Democracy. *American Sociological Review*, 60(6), 966-982.
34. Quevedo, R.J.M., & Abella, M.C. (2011). Well-being and Personality: Facet- level Analyses. *Personality and Individual Differences*, 50, 206-211.
35. Kapteyn, A., Smith, J. P., & van Soest, A. (2009). *Life Satisfaction*. Discussion Paper No.01, 2009-008.
36. *Happiness and Life Satisfaction*. (2024). available at:
<https://ourworldindata.org>
37. Helliwell, J. F., Layard, R., Sachs, J. D., De Neve, J.-E., Aknin, L. B., & Wang, S. (2024). *World Happiness Report*.
Available at: <https://happiness-report.s3.amazonaws.com/2024/WHR+24.pdf>
38. Saris, W.E., Bunting, B., Scherpenzeel, A.C., & Veenhoven, R. (1996). *A Comparative Study of Satisfaction With Life in Europe*. Eotvos University Press, Budapest, Hungary.
39. Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. *American Sociological Review*, 24(6), 783-791.
40. Swami, V., & Chamorro-Premuzic, T. (2008). Psychometric evaluation of the Malay Satisfaction With Life Scale. *Social Indicators Research*, 85(1), 25-33.
41. Viaznikova, L. F., Orlova, O. M., Vlasova, S. V., Saltseva, M. S., Babintseva, O. N., Streltsova, A. S., ... & Timoshenko, T. I. (2019). Reasons of student social apathy. *Humanities & Social Sciences Reviews*, 7(4), 12-48.